



صفحات جدید تعلیم و تربیه

اقتباس و ترجمه

احمد علی خان کپزاد

مطالعه خواص روحی اطفال

نقطه که اینجا همه در آن متفق هستیم این است که وظیفه ما نه تنها آموزش آیدن قرائت مشق - حساب و غیره به اطفال است بلکه بر علاوه مواظب باید باشیم تا توسعه بدنی و انبساط فکری و قوای قلبی و احساسات نهایی آنها تدریجاً تکامل یابد همه باید بدانیم که ما فقط آموزگار و تجار علوم نیستیم بلکه اسم مخصوص ما «مربی» و وظیفه اساسی ما تربیه مکمل و حقیقی است علوم انسانی و مطالعات فربنگی

حقیقتاً آموزش آیدن قرائت یا حساب بیک طفل با بیک جماعه طفلان کار نسبتاً آسان است ولی اشکال وقتی رخ خواهد داد که ما مخصوصاً با مورد «تربوی» اجتهاد کنیم بلی این مسئله خیلی مهم و دقیق و تعمیل آن خالی از اشکال نیست.

مونتن فیلسوف فرانسوی میگوید «انسان یک موجود متغیر الاحوال هر دم خیال است» پس طفل که هنوز به قوا و افکار خود دستسلط نشده در مقابل اثرات و تغییرات دائمی خارجی که از اطراف محیط با او حمله میآرند چطور مأمون خواهد ماند و چه سان تربیه باید شود ازین رو برای حل بک چنین مسئله در هم و برهم که عبارت از «روح طفلی» است بی فایده نی بلکه اهم و ضروری است که حضرات معلمین معلومات وسیعی

راجع به تربیه اطفال داشته باشد و این را بدانند که معلومات نظری درین باب چندان فایده نداشته باید معلومات عملی شخصی راجع بخودها و اشخاصیکه آنها را احاطه کرده اند و بالاخره راجع بآن اطفالیکه میخواهند تربیت کنند پیدا نمایند ما باید اغلب اوقات عادات و افکار اطفال را از نزدیک معاینه کرده بدقت نتایج بروزات قوای آنها را مطالعه کنیم و در تجسس باشیم تا خطوط مختصه افکار هر يك را نه فقط ازین وجه که آنها هستند و باینکه بحظه معینی بچه شباقت دارند بلکه باید درک کنیم که در مقابل اثرات خارجی و با معلمین چگونه رفتار میکنند .

در مقابل وضعیات مختلفه رفقا از چه رویش میآیند و اشکال متنوعه اشیا چه تاثیراتی بر آنها وارد میکند همین شرایط است که ما هم الزم دانسته مراعات آنها را در تربیه اطفال واجب میدانیم .

برای توضیح مسائل فوق نظریات خیلی دلچسپی دارم که میخواهم تحت ملاحظه فارین محترم گذارم مثلاً يك معلمی را بخاطر دارم که نسبت به روحی اطفال ملاحظات خیلی دقیقا نه بعمل آورده و نتایج آنرا در زوئی کتابچه نوشته بود اینك يك گوشه ملاحظات او را بقسم مثال در اینجا درج میکنیم **ملاحظات انسانی**

محمود :- يك طفل مواظب ، صحیح ، خیلی حساس است .

اثبات حساسیتش اینست : که اگر يك نمره عقب شود و یا نمره در مشق و درس از رفقا کم بگیرد گریه میکند . روز گذشته صفحه حسن خط او را دیده و صف و تمجید کردم که حالا خیلی اصلاح شده باز هم شروع بگریه کرد

محمود را تمام رفقایش دوست دارند و به سائترین ترجیح میدهند ، چرا؟ -

ازین سبب که مشار الیه حسن قیافه ، نظافت بدن ، حسن اخلاق ، طبیعت ملائم دارد و لباسهایش را زیاد مواظبت میکند ، حرف زیاد نمیزند ، همه وقت خوی معتدل دارد و مانند غالب متعلمین به ادنی حرفی متغیر نمیشود . روزی پدر محمود یکی

از دوستانم راملاقات کرده چنین احوال بمن فرستاد «پسرم در خانه همیشه با عا طفه و کارکن نیست، نسبت بشما مطیع و مرا نافرمانی میکند.» محمود که این شکایت را میشنود بزمین نگرسته محجوب میشود و اسباب اطلاع معلم را نجسس میکند درینجا معلم بدروس اخلاق و حقوق فامیلی مراجعت نموده ابیات ویکتور هوگو را که عنوانش «مادر» است درس میدهد.

ایس: همیشه از ساعت مقررہ افتتاحیہ دروس ناوقت میرسد، وقتی وارد کلاس میشود که نمره های حاضری را داده میباشم و به جرد داخل شدن نمره کامل حاضری را مطالبه میکند این رفتار او مرا متنفر میسازد و میفهماند که اگر در مقابل کار منتظر اجرو مزد نباشد زیاده شایان وصف خواهد بود - طبیعت تیز و شدید دارد - از تندی حرکات خود جلوگیری نمیکند - در پی این نمیگردد که بالای رفا مسلط باشد و بزور بر آنها حکم کند - و آنها را طرف توبیخ و تادیب پدرهای شان قرار دهد. ...
 قوه ادراکیه اش متوسط است دروس حساب را نسبت به فرانسه زود تری یاد میگیرد.
 نجیب: این طفل شکم پرست است. وقت نهار روی میز نگاه میکند و بدیدن میوه و شیرینی آثار بشاشت در چشمانش هویدا میشود - بنظر من والدینش او را این قدر مایل به لذایت کرده اند - غالباً چون وارد کلاس میشود روی انگشتانش لکه مر باوشیرینی دیده میشود.

شریف:- طفل خیلی محبوب است و این عیب در او به اندازه است که او را نادان نشان میدهد - آهسته حرف میزند و وقت حرف زدن به زمین نگاه میکند - از اندازه زیاد عاقل است - محجوبیتش باید اصلاح شود - این طفل رازنده و تیز باید ساخت او را باید مجبور نمود که با وضاحت و اطمینان و کردن افراشته بقسمیکه چشمانش چشمانم را نگاه کنند حرف بزند - از او سوالات آسان باید کرد تا بکمال جرئت بدون تردید جوابات صحیح بگوید - از توبیخ او جتناب باید کرد -

در صنف او را به ایراد نطق مجبور باید نمود - بعد از کمی کوشش او را تشویق و جرئت افزائی باید نمود

رفیق :- همیشه کار میکند و قره ادر اکیه فوق العاده دارد - آواز خواندن و جمناستک را دوست ندارد - مایل است که همیشه اطرافش کتابها و سایر لوازم تعلیم گسترده باشد از حرارت و حاضر جوابی زیاد مدام رنگش سرخ میشود . این عادتش باید معتدل شود

چند تمثال فوق کافی و برای حضرات معلمین لوجه سر مشق شده و به ایشان میفهماند که این طور با طبر دیگر باید خواص مختلفه روحی اطفال را مطالعه کرد - بنظر شخص من کسیکه وظیفه خود معلمی و تربیه روحی اطفال را قرار داده باشد ممکن نیست ملا حظات فوق برایش مفید و دلچسپ ثابت نشود و خود را به اجرای آن مکلف نسازد . پس با همین تمهید مختصر گفته میتوانم که مطالعات عملی خواص روحی اطفال اساس تعلیم و تربیه را تشکیل داده معلم را قادر میسازد که از روزنه روح بی آرایش طفل نمایلات او را دیده مانند دکتور بکه احوال مریض را معاینه کرده نسخه میدهد او هم به بیندودانسته و فهمیده شروع به اجرای وظیفه خود نماید .

رساله جامع علوم انسانی
چس ایستگار

« تقریباً بیش از هفت هزار سال است که انسان شروع به تفکر نموده درین مدت در هر رشته سخنی گفته شده و ما از همه ناوقت آمدیم »

این مفکوره « بروئیر » شاعر و فیلسوف فرانسوا بعضی معلمین سر مشق خود قرار داده چنین میگویند :- « همه چیز ایجاد شده . . . هر چیز کشف گردیده . . . ما از همه عقب آمدیم حالا که تمام انسانهای اعصار ماضیه راجع به تربیه و تعلیم و پرورش اطفال اصولها وضع ، طرق جدید کشف و کتاب ها تالیف نموده اند ما چه نویسیم ؟ » در جامعه اگر ملا حظه شود اکثر تفری مایل اند که این مفکوره و فرمول

اخلاق نو بس فرانسه را رئیس هر نوع افکار و اقدامات خویش قرار داده آنرا سرمشق اعمال اتخاذ کنند اگر ما افکار و نظریات اینطور فیلسوفان کو تاہ نظر را تعقیب کنیم را جمع به جزئی سخن و معامله خواهیم گفت :- در دنیا هیچ چیز نمانده که کشف نشده باشد - ترقی به آخرین حد تکاملش رسیده است از بن اشتباه غلطی بزرگتری نیست چرا که میه تحت انظار عامه این مفکوره تکذیب شده و اکتشافات جدید بعمل میآید . حاجت بشمار اکتشافات قدیمه نیست همین ایجادات عجیب و غریب مجلل و متنوعه ۳۰ ساله اخیر دنیا مفکوره فوق را بوضاحت لغو و فسخ میکند . وقتی که شخصی میگوید همه نوع پیشه و صنایع کشف شده از سخنش چنین معلوم میشود که باطلات فکر و راحت طلبی او عذری پیدا میکند و او را از کار میکشد و با قوه و حس ابتکار و ایجاد ندارد .

ما بدون تردید گفته میتوانیم که با وجود کوششات بنی نوع انسان که بی هم نه از هفت هزار سال بلکه از صد ها هزار سال بعمل آمده است باز هم در هر نوع شاخه های فعالیت های ا و یقیناً اسرار نهفته مانده که باید کشف و ایجاد شود چه بگویم ؟ اگر ما هر شاخه فعالیت های بشر را که کتاب ضخیمی تطبیق دهیم یقیناً گفته میتوانیم که نه فقط آخر این کلمه خلفیات این کتاب تلفظ شده بلکه بالکننت و اشکال زیاد او این کلمه عنوان آنرا تحلیل کرده ایم . پس در هر یک از این شاخه ها مسائل مختلفه متعددی مانده که محتاج به کشف و حل است و میدان ترقی و تعالی در صحنه دنیای امروزه غیر محدود و لایتناهی است .

بنابرین حضرات معلمین هرگز تصور نباید کنند که آخرین صفحه کتاب « تربیه

اطفال » به آخر رسیده و من بیچاره حقیر نمیتوانم اصول جدیدی درین راه اختراع کنم اینجا میخواهم بگویم که یک معلمیکه فرضاً ناقابل هم باشد باز میتواند در دوره موظفیت خود ملاحظاتی شخصی را جمع باصول تدریس اداره اطفال بعمل آورد بدیهیست که اگر حضرات معلمین به نکته فوق تصادف نکرده ادنی ترین ملاحظاتی خود را

عالی‌شمارند و طرق جدیدی راجع به تربیه و پرورش اطفال که پدران آن‌تبه مملکت اند پیدا کنند به کم وقت معلمین تقریباً حقیقی بوجود آمده و صفحات تربیه اطفال رو به تکامل خواهد گذاشت.

زمینه ملاحظات برای معلمین وسیع است و ایشان هم آزاداند بهر طوریکه خواسته باشند از نتیجه ملاحظات خود طرق جدیدی پیدا کنند. به بیندیک معلم برای تهیج قوای تجسس و تفکر اطفال چه راهی پیدا کرده - مشارالیه کتابچه برای نگاهداشتن ملاحظات شخصی خود ساخته و بهر شاگردی صفحه مخصوصی وقف نموده که در آنها ملاحظات مربوطه خود را مبنی بر کوائف روحی اطفال می نویسد شخصی دیگر از سالهای دراز درین راه تجربه های قیمتمنداری حاصل نموده و عادتش اینست که در حیات مکتب الهاری شیشه داری نصب نموده و بمناسبت مسائل مختلفه تصاویر و حتی اسباب های متنوعه را در آنجا آویزان میکند. طلاب در هنگام تفریح با شوق و شغف دورالماری مذکور حلقه بسته راجع به مسائل مذکور تفکرات عمیقۀ مهمه بعمل میآرند - چه بگویم عدۀ زیاد معلمین از هر سن و سال هر یک راجع بتعلیم يك مضمون یا مضامین متعدده و اصول ترتیب و نظم کلاس خود دستورا عمل ها طرز و اصول شخصی ایجاد کرده اند که تماماً مفید و موثر نیستند و ازین گذشته از مولفین مشهور و علمای معروف اصولات اصلی که مفید و دلچسپ دیده اند اتخاذ کرده اند. حالا میخواهم بالای مطالب بیابم و از حضرات معلمین استدعا کنم که مطابق وسایل و اقتدار خود در هر زمین که مفید به بینند بگویند و راه جدیدی پیدا کنند و حس ابتکار خود را صورت عملی دهند و این هم یقینی است که هر کس میتواند راه نوی پیدا کند زیرا: «تنها کتابی که جاویدان بدست انسانها باز خواهد ماند همانا کتاب تدریس و تعلیم و تربیه است».

بکسر میتوان سخن از زلف بارگفت

در قید آن مباش که مضمون نهانده است